

دو شعر برای شهید علی لاریجانی

18 فروردین 1405

جمعی از شاعران کشور در تازه‌ترین سروده‌های خود از سال‌ها مجاهدت شهید علی لاریجانی تجلیل کردند.

کمیل کاشانی

از پیام آخرش عطر شهادت می‌وزید
خوش به حالش که به یاران شهید خود رسید
در طنین هر کلامش موج می‌زد اقتدار
از شکوه هر پیامش رنگ دشمن می‌پرید
آفرین بر همت و عزمش که در راه وطن
بارها تیغ زبان او حماسه آفرید
شکوه از نامهربانی‌ها نکرد و صبر کرد
عاشقانه طعنه‌های تلخ را بر جان خرید
(أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ) پاداش اوست
گفت لبیک (ارجعی) را و چه زیبا پر کشید
هیجده روز از فراق مقتدای او گذشت
با مراد خویش گویی داشت وعده این مرید
نام او در دفتر ایران به عزت ثبت شد
بعد از این تاریخ از او بیشتر خواهد شنید
چه برازنده است این عنوان برای او ”کمیل“
اول نامش پس از این می‌نویسم که: شهید

نجمه پورملکی

جنگ توران است این... کیخسرو ایران کجاست؟

آرش مازندران و شیر لاریجان کجاست؟

آه آن دست کمان‌گیری که تا پای نفس

مرزهای امنیت را بوده سنگربان کجاست؟

نیمی استاد مطهر بود نیمی رهبری

جمع بین عقل و عشق و منطق و ایمان کجاست؟

لشکر افراسیاب قرن را تحقیر کرد

آنکه روز قدس آمد در دل میدان کجاست؟

رهبران اپستین را گفت ما در صحنه‌ایم

یک نفر باید بگوید جای آن شیطان کجاست؟

آنکه جام زهر می‌نوشید از طعن همه

آنکه رد می‌شد مدام از مصلحت بازان کجاست؟

با پیامی پاسخ دشمن‌شکن می‌کرد رو

آه این مرد مجاهد واقعا الان کجاست؟

ای برادرهای لاریجانی ای شب‌های قدر

آنکه مردم را ستایش کرد در میدان کجاست؟

ارث آقازادگی تنها شهادت بود و بس

مرتضایی که پدر را بوده پشتیبان کجاست؟

بد شروع کردی ولی ای دشمن نادان و رذل

ما نشانت می‌دهیم این نقطه پایان کجاست؟